به ادامه افشاي دزدان ، چپاولگران وزورمندان

(قسمت دوم – استاد صباح)

=== ((شعرروز)) ===

مژده اي ساده دلان، عصر جديد آمده اند
دوره چوروچپاول وتاراج سپيد آمده اند
اينان هرچه كه كردند ، نگوييد «دروغ»
ازبراي سرقت بانک باقفل وكليدآمده اند
يك كليد شان اگرنگشايد دروازه هرقفل
با گروپ سلاحداروباقفل جديد آمده اند
مجلس ملي كه ازفحش وتمسخرشده پُر
غصه نخور دولت اخلاق پديد آمده اند
رفته اند آن گروپ كلاه پست وچپن دار
آنكه با مشت روي ميزمي زد آمده اند
گرچوركردندوچپاول شد وبردند وخوردند
غمگين مشو كه با نفس پليد آمده اند.
عذر تقصير، كه ما مار گزيده شده ايم
آن مار كه تا اكنون نگزيد آمده اند.

//// سخن روز////

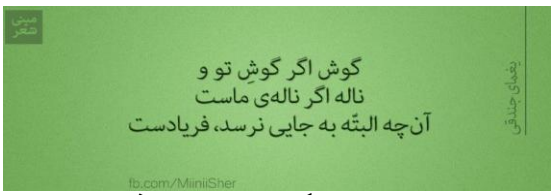

دزدان ميليونی و چپاولگران ميلياردی افغانستان بخوانند واگر وجدان دارند كمی شرمنده و سرافگنده شوند.....
زين‌العابدين عبدالكلام به مدت پنج سال رئيس جمهور كشور هند بود. او در سن هشتاد سه سالگی درگذشت و ملت هند را به عزا نشاند. تلويزيون ملی هند دارايی و ثروت او را چنين اعلام كرد:
سه دست لباس معمولی . شش عدد پيراهن . يک عدد ساعت دستی.
دو هزار و پانصد جلد كتاب . يک آپارتمان دولتی كه مدت‌ها پيش به جامعه دانشمندان هند تحويل داده شد.
موجودی بانكی صفر. تنها دارايی او دعای يک ونيم ميليارد جمعيت هندوستان كه همراهش بود!

چپاولگري خانواده گي درارگ

در زمره ی واژه های منحوسی که از دموکراسی پرفساد غرب داخل فرهنگ مردم افغانستان شد یکی هم واژه میان تهی و نمایشی بانوی اول است .تفاوت را ببنید.
محبوبه کارمل همسر ببرک کارمل را بانوی اول نمیگفتند . زیرا چنین اصطلاح نه در فرهنگ ملی و نه اسلامی افغانستان بود . ریاست پرورشگاه وطن براساس برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد شد و برعلاوه کابل در چندین ولایت افغانستان نیزاز کودکان بی‌بضاعت مواظبت می‌کرد.محبوبه کارمل درسال ۱۹۸۱ به ریاست پرورشگاه وطن برگزیده شد و تا سال ۱۹۸۶ این وظیفه را به عهده داشت .
معاش ماهوار او شش هزار افغانی یعنی ۷۲ هزار افغانی در سال بود. وظیفه ی او ارگ نشینی نه بلکه ریاست پرورشگاه وطن یا مواظبت و سرپرستی از کودکان یتیم و بی بضاعت کشور بود.
محبوبه کارمل در حال حاضر در آلمان زنده گی می کند.
معاش سالانه ی رولا غنی همسر اشرف غنی را ۲۳ میلیون افغانی یعنی دو میلیون در یک ماه گزارش دادند.
این کشور گدایی گر با بانوی اول عشرتگر . در همین‌حال، آوازه‌های وجود دارند که غنی، برخی از قراردادها را به شرکت‌های لبنانی، منسوب به اعضای خانوادهٔ رولا غنی، می‌دهد.
بیش از بیست وسه میلیون افغانی درسال از بودجه ملی هزینه دفتر تشریفاتی بی بی‌گل احمدزی خانم رئیس جمهور غنی احمدزی می‌شود. سندی که به نشر رسیده نشان می‌دهد که رئیس دفتر غني مکتوب داده که در آن نوشته است: دفتر خانم اول کشور یکی از واحدهای جانبی ریاست اداره امور ریاست جمهوری بوده و تعداد کارکنان آن ۳۳ نفر می‌باشد که معاش‌های امتیازی یک ماهه شان مبلغ یک میلیون و نُهصدو سی و سه هزار افغانی و از یکساله شان مبلغ بیست و سه میلیون و یکصدو نود و شش هزار افغانی می‌شود.
عبدالسلام رحیمی رئیس عمومی اداره امور ریاست جمهوری در این مکتوب تصریح کرده است که این مبلغ شامل بودجه سال ۱۳۹۵ ریاست عمومی اداره امور ریاست جمهوری می‌باشد و از کُود احتیاطی به بودجه دفتر ریاست جمهوری انتقال کند. متن این مکتوب از سوی رئیس جمهور برای دفترخانم‌اش منظور شده است.
در حالی این مبلغ هنگفت به دفتر خانم ریاست جمهوری اختصاص داده شده است که بانوی اول در دو سال گذشته به جز شرکت در مراسم تشریفاتی و دیدو بازدید با شماری از زنان و دختران، نقش غیر از این در حکومتداری نداشته و حتا برنامه‌ای را برای بهبود شرایط زنده‌گی زنان بیرون نداده است.
میلیون‌ها افغانی در حالی به دفتر تشریفاتی بانوی اول کشور اختصاص یافته است که میلیون‌ها کودک در کشور به خاطر نبود زمینه‌ی آموزش و نداشتن امکانات آموزشی از تحصیل محرومی می‌باشند و یا به امکانات آموزشی لازم دسترسی ندارند.غنی احمدزی وقتی به کرسی ریاست جمهور تکیه زد اعلام کرد که مصرف‌های اضافی را از بودجه ملی کاهش می‌دهد و تعداد مشاوران و معاش‌های امتیازی را کم می‌کند، اما تاکنون رئیس جمهوری تنها معاش‌های امتیازی کارمندان پائین رتبه دولتی را کاهش داده است و اما تعداد مشاوران معاونانش و مقام‌های بلند پایه‌ی دولتی و معاش‌های امتیازی آنها را کاهش داده نتوانسته است.

اینان سرمایه ها را ازکجا آوردند؟؟؟

هرچند احتمال دارد افراد و سرمایه‌گذاران خصوصی سرمایه های بزرگتری در اختیار داشته باشند .

غلام حضرت صافی، مسئول هواپیمایی صافی

صافی در سال ۲۰۰۶ میلادی با سرمایه ابتدایی ۲۰ میلیون دالر آمریکایی، شرکت هواپیمایی‌ای را به نام "صافی" در افغانستان اساس گذاشت. در این شرکت که مرکز آن در کابل و در دبی امارت متحده عربی است، حدود ۵۰۰ نفر استخدام شده اند. این شرکت هواپیمایی خدمات باری انجام می دهد و همچنین پروازهای خود را از کابل به ابوظبی، بحرین، دهلی نو، دبی در خارج و به شهر هرات در داخل کشور تنظیم کرده است.
در افغانستان سه شرکت هوایی فعال است، هواپیمایی نیمه دولتی آریانا که شصت سال پیش فعال شد و شرکت های کام ایر و صافی که در سال های اخیر شروع به فعالیت کرده اند.

خلیل‌الله صدیق، مسئول بانک بین‌المللی افغانستان

بانک بین‌المللی افغانستان ۹ سال پیش با ۱۰ میلیون دالر سرمایه توسط صدیق مجوز فعالیت‌های بانکی را در افغانستان گرفت. بانک بین المللی افغانستان در سی و چهار ولایت افغانستان شعبه دارد و ۶۱۶ کارمند استخدام کرده است. این بانک، همچنین پشتوانه بانک توسعه آسیایی را با خود دارد و آن گونه که مسئولان اداره حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی می گویند، تعداد مشتریان این بانک به ۹۰ هزار نفر می‌رسد. بانک بین‌المللی افغانستان مثل سایر بانک‌های افغانستان به ویژه بانک‌های خصوصی، خدمات بانکداری از طریق انترنت، استفاده از ماشین های خودپرداخت پول، خدمات صدور قرضه، ایجاد حساب‌های پس انداز و انتقال و دریافت پول در سراسر جهان را عرضه می‌کند. در افغانستان پانزده بانک خصوصی فعالیت می‌کند. بانکداری در افغانستان از رشته های شغلی پر در آمد و پر مشتری است.

محمد نسیم دوست، مسئول شرکت معادن انصاف

دوست، در سال ۲۰۰۶ میلادی با سرمایه ابتدایی ۳۱۲ هزار دالر آمریکایی به سرمایه‌گذاری در بخش تهیه سنگ‌های معدنی افغانستان، شروع به فعالیت کرد. شرکت انصاف، عمدتا در بخش تهیه و آماده سازی سنگ‌های قیمتی افغانستان برابر با معیارهای جهانی کار می‌کند و آن طوری که اداره آیسا می گوید، توانسته در این مدت میزان سرمایه گذاری خود را با تاسیس شرکت سنگ مرمر در هرات به چهل میلیون دالر آمریکایی توسعه دهد.
این شرکت برای حدود چهارصد نفر به طور مستقیم کار فراهم کرده و همچنین ۲۰۰ نفر دیگر را به طور مستقیم در کارهای عملیاتی مشغول کرده است. شرکت معادن انصاف، توانسته سنگ‌های قیمتی افغانستان را با برقراری تماس با شرکت‌های خارجی به کشورهای هند، چین، ترکیه و امارات صادر کند.
ثروت اصلی افغانستان در زیر زمین است، سنگ های قیمتی این کشور به کشورهای دور و نزدیک صادر می‌شود و از جانب افغانستان بخشی از درآمد داخلی خود را از معادن به دست می‌آورد.

محمد فهیم هاشمی، مسئول تلویزیون۱

تلویزیون ۱، از رسانه‌های خصوصی افغانستان در سال ۲۰۰۸ مجوز فعالیت را با سرمایه ابتدایی ۲۷۳ هزار دالر دریافت کرد. فعالیت نشراتی این تلویزیون در سال ۲۰۱۰، شروع شد .این شبکه ۲۹۳ کارمند به شمول ۵ کارمند خارجی را استخدام کرده است. این تلویزیون عمدتا برنامه های خبری، سیاسی، فرهنگی و تفریحی پخش می‌کند و نشرات بیست و چهار ساعته دارد. تلویزیون یک به علاوه آنتن های عادی از طریق ماهواره هم قابل دریافت است.
رسانه های تصویری در افغانستان در ده سال گذشته رشد چشمگیری داشته اند و در حال حاضر فضای تنگاتنگ رقابت بین ۵۵ ایستگاه فعال تلویزیونی جریان دارد. در افغانستان حدود هفتاد شبکه تلویزیونی مجوز فعالیت گرفته اند که ۱۵ کانال موفق به آغاز نشرات نشده اند.

سید سادات نادری، مسئول شرکت بیمه ووزیرشهرسازي افغانستان

نادری، شرکت بیمه خود را در سال ۲۰۰۸ با سرمایه ابتدایی ۲,۵ میلیون دالر آمریکایی فعال کرد. این شرکت در افغانستان فعالیت بیمه عرضه می‌کند. این شرکت توانسته برای ۳۰۰ نفر، کار فراهم کند. بیمه بهداشت، وسایط، ساختمان، بانکی، ترانسپورت و هوانوردی و نقل و انتقالات از انواع خدمات شرکت بیمه افغانستان است.
شرکت بیمه افغانستان از آغاز تا حالا برای مشتریانی با سرمایه ۲۲ میلیارد دالر، خدمات بیمه عرضه کرده است.
خدمات بیمه در افغانستان اجباری نیست و فرهنگ استفاده از بیمه هم میان مردم عادی چندان رایج نشده است. در این کشور تعداد شرکت های عرضه خدمات بیمه محدود است و نهاد دولتی‌ای به نام "بیمه ملی افغان" نیز خدمات بیمه عرضه می‌کند.

مصطفی، مسئول مجتمع شرکت‌های امید بهار

مصطفی، مجتمع شرکت های خود را در سال ۲۰۰۸ با سرمایه ابتدایی ۲ میلیون دالر آمریکایی در افغانستان به راه انداخت. این مجتمع برای ۲۱ نفر کار فراهم کرده است. بسته بندی و صادرات میوه‌جات تازه برابر با معیارهای جهانی شاخه اصلی کار آن است. تولیدات این مجتمع به اساس آمار (آیسا) به ۹۰ میلیون تُن در سال می‌رسد و سبب شده که

در مدت کمی سرمایه ۲ میلیون دالری این شرکت به ۳۵ میلیون دالر افزایش پیدا کند. تولید نوشابه های غیرالکلی هم جز کار این مجتمع است. میوه جات تازه، از صادرات اصلی افغانستان به کشورهای خارجی است، انواع میوه جات تازه این کشور به کشورهای غربی صادر می شود. در افغانستان سرمایه گذاری‌ها در بخش تولیدات داخلی در سال‌های پس از جنگ چشمگیر بوده است اما اخیرا نگرانی های امنیتی احتمالی در آینده بسیاری از سرمایه گذاران را به تشویش انداخته و سبب شده که دولت بسته‌های تشویقی پیش کند.

عبدالله رسولی، مسئول شرکت فولاد افغان

شرکت تولیدات فولاد افغان، در سال ۲۰۰۷ میلادی با سرمایه ابتدایی ۲ میلیون د لر آمریکایی عبدالله رسولی شروع به کار کرد. این شرکت برای ۵۳۰ نفر زمینه کارایجاد کرده و از این میان ۱۳۰ کارمند آن شهروندان هندی هستند.
شرکت فولاد افغان با گسترش فعالیت های خود توانسته سرمایه ابتدایی خود را به ۱۸ میلیون دالر آمریکایی بالا ببرد.
فعالیت های این شرکت متمرکز به تولید و صادرات فولاد است. اداره آیسا می‌گوید که این شرکت تولیدات برابر با معیارهای امروزی دارد و مجهز با فناوری روز است. تولیدات شرکت فولاد افغان، به ۱۰۰ تُن فولاد در روز می‌رسد که ارزشی معادل ۷۲۰ هزار دالر آمریکایی دارد.

حسن جبار، مسئول شرکت مخابراتی امتی‌ان(MTN)

شرکت مخابراتی امتی‌ان، با سرمایه ابتدایی ۱۵۰ میلیون دالر آمریکایی حسن جبار و استخدام ۵۶۵ کارمند، به نام "اریبا" در سال ۲۰۰۶ شروع به فعالیت کرد. این شرکت خدمات استفاده از تلفون همراه را در ۳۴ ولایت افغانستان عرضه می‌کند. شرکت مخابراتی امتن‌ان، جز گروهی است که در ۲۱ کشور دنیا فعالیت خدمات مخابرات دارد.
تعداد مشترکان این شرکت در سراسر دنیا به ۹۰ میلیون کاربر می رسد. تعداد مشترکان این شرکت در افغانستان مشخص نیست ولی حدود ۲ میلیون نفر در سراسر افغانستان از خدمات مخابراتی بهره‌مند هستند و بیشتر کاربران از ۲ تا سه سیمکارت همزمان استفاده می کنند.
افغانستان در ده سال گذشته رشد غیرقابل پیش بینی در فناوری مخابراتی داشته است. حدود ۵ شرکت مخابراتی در این کشور فعالیت مخابراتی عرضه می کنند و در سال های اخیر تعدادی از این شرکت‌ها خدمات نسل سوم مبایل همراه (۳G) خود را هم فعال کرده اند.

شرکت صنعتی روغن نباتی سپین‌غر

شرکت صنعتی روغن نباتی سپین‌غر در سال ۲۰۰۰ میلادی، با سرمایه ابتدایی ۹ میلیون دالر آمریکایی، شروع به سرمایه‌گذاری در زمینه تولیدات روغن نباتی کرد. این شرکت فعالیت خود را در سال ۲۰۰۴ شروع کرد و در ابتدای کار برای ۹۰ نفر به شمول ۲۵ خارجی، زمینه اشتغال فراهم کرد. این شرکت برای پخش تولیدات خود به طور عمده و برای مغازه های کوچک در کابل و تمام ولایات افغانستان شاخه فعال دارد. تولیدات این شرکت در افغانستان محدود نیست و بخشی از آن با بسته بندی معیاری به خارج هم صادر می شود.

شرکت تولیدی حبیب گلزار

شرکت تولیدی حبیب گلزار که شامل کارخانه های تولید آیسکریم ونوشابه های غیر الکولی، ترمیم ماشین آلات می‌شود از ۲۰۰۳ شروع به فعالیت کرد. این شرکت با سرمایه ابتدایی ۲ میلیون و ۱۵۷ هزار دالر آمریکایی در هر سه بخش شروع به فعالیت کرد. این شرکت توانسته برای ۵۳۰ نفر به شمول ۱۳۰ شهروند خارجی زمینه اشتغال فراهم کند.
شرکت حبیب گلزار علاوه بر این که در پخش تولیدات کوکاکولا کار می‌کند، نمایندگی پخش تولیدات شرکت های تویتا، فلیپ ماریوس، تنباکوی ژاپن، بسکویت کانتیننتال و کرافت را هم به عهده دارد. این شرکت در بخش صادرات و واردات نیز فعال است و بخش عظم فعالیت‌های آن را در کنار تولیدات واردات مواد از خارج کشور تشکیل می‌دهد.
مجموع سرمایه کل این شرکت‌ها بیش از هشت میلیارد دالر آمریکایی بر آورد شده است.

كي مي تواند بگويد كه اين پولها چه شد؟؟؟

با تزویروریا با بدقولی وعهد شکنی با فتنه گری ودروغ نمی توان ادعای انسانیت داشت.
سؤال اینجاست که آیا کمک های جامعه جهانی درافغانستان به گونه درست ان به مصرف رسیده است یا خیر؟
بیشتر کمک های جامعه جهانی درافغانستان حیف ومیل شده اند وبگونه ای که انتظار آن می رفت این کمکها در بازسازی افغانستان مؤثر نبوده اند. نبود ظرفیت در نهادهای دولتی، فساد اداری، عدم هماهنگی میان دولت افغانستان و کشورهای کمک کننده درعملی شدن پروژه ها و چندین دست شدن قراردادها از علتهای عمده ای هستند که سبب شده است بخش زیادی از کمکهای جامعه جهانی در افغانستان حیف ومیل شوند. شماری از کارشناسان اقتصاد و مسؤلان اتاق تجارت و صنایع بر این باورند که بیشتر کمکهای جامعه جهانی از طریق اینجوها در بخش های زیربناها، ساختمان سازی ، جاده سازی و دیگر پروژه ها در افغانستان مصرف شده اند.
به باور آگاهان هشتاددرصد کمکها بر زندگی و اقتصاد مردم عادی اثری نداشته است و نهادهای کمک کننده بیشتر پروژه ها و بویژه پروژه های بزرگ را با شرکتهای خارجی قرارداد کرده اند که در نتیجه چندین دست شدن قراردادها تنها سي تا پنجاه درصد پول در این پروژه ها مصرف شده اند و ازپنجاه تا هفتاد درصد پول بدون این که به افغانستان بیایند به دست خارجی ها می رسند. اکنون با استفاده از کمک های جامعه جهانی بیش ازچهارهزارکیلومترجاده درافغانستان قیر ریزی شده است و بیش ازسي پنج درصد مردم از انرژی برق بهره مند شده اند، اما انتظار می رفت بیشتر ازاین پروژه ها درافغانستان عملی شوند.
کشورهایی که بیشترین پول را به افغانستان کمک کرده اند به ترتیب زیر است:

کشور	تعهد	پرداخت
آمریکا	44.356 میلیارد دالر	38.118 میلیارد دالر
جاپان	3.152 میلیارد	3.152 میلیارد
اتحادیه اروپا	2.883 میلیارد	2.594 میلیارد
بانک انکشاف آسیایی	2.269 میلیارد	1.005 میلیارد
انگلستان	2.222 میلیارد	2.222 میلیارد
بانک جهانی	2.137 میلیارد	1.700 میلیارد
آلمان	2.130 میلیارد	762 میلیون
هند	1.516 میلیارد	759 میلیون
کانادا	1.256 میلیارد	1.256میلیارد
هالند	1.015 میلیارد	1.015 میلیارد.

رازهاي پشت پرده وچپاولگري درحکومت

مقامات کنوني ازطریق چپاول دارایی های عامه و غصب زمین، سرمایه سرسام آور اندوخته و پول های حرام را در داخل کشور با اعمار بلندمنزلها و شرکت ها و در خارج از کشور به کارانداخته اند. کریم خلیلی با برادرش حاجی نبی زمین های وسیع را در کابل قبضه کرده به میلیونها دالر به فروش رسانیدند و ازهیچ به سرمایه داران اصلی کشور

تبدیل و صاحب غلغله گروپ، چینل تلویزیونی وغیره شدند. تنها در قضیه کابل بانک، قریب یک میلیارد دالرازپول ملت به غارت رفت، اما از آنجاییکه خانواده کرزی و فهیم در این کلاهبرداری تاریخی سهیم اند تا حال بردوسیه این چپاول پرده انداخته شده و اقدام جدی در برابر عاملانش صورت نمی‌گیرد درحالیکه گردانندگان اصلی این بانک حقایق مهمی را دردست داشتن شخص حامد کرزی، حسین فهیم، محمود کرزی، قدیرفطرت، عمر زاخیلوال و دیگران در فساد و چپاول بانک فاش نمودند. اما دیر یا زود فرنود و فیروزی نیز ازبند رها شده برایشان حق‌السکوت پرداخته خواهد شد.
فساد در رده های پایین تر دولت از والیان ولایات تا شاروالی ها، محاکم، پولیس، اردو، امنیت ملی، گمرک ها، سفارت ها، ریاست های مستقل، پارلمان و سنا و ... آنچنان همه‌گیر است که فغان ۹۹٪ مردم بدبخت را که ضربه اصلی این وضعیت اسفبار را می‌خورند به آسمان بلند کرده است چون در هیچ اداره دولتی ممکن نیست بدون پرداخت رشوه یا داشتن واسطه بتوان کاری را ازپیش برد. بنابرگزارش «شفافیت جهانی»، در سال ۲۰۱۰، از هر هفت افغان یکی مجبور به پرداخت رشوه بوده که مقداراوسط آن سه برابر معاش یک افغان عادی بوده است.
روزی نیست که بوی گند فساد و دزدی های میلیون دالری بالاترین مقامات دولت کرزی، اعضای پارلمان و دیگر نهادهای دولتی به مطبوعات درز نکند، اما دربرابر تمامی این خیانت های ملی دستگاه پوسیده و شخص کرزی سکوت نموده تا حال یک تن از مقامات هم به جرم فساد محاکمه نشده است چون تمامشان غرق دزدی و پر کردن جیب های گنده شان اند. اداراتی هم که زیرنام «مبارزه با فساد» یکی پی دیگری ساخته می‌شوند، خود منشای فساد بوده و جز مصارف هنگفت از بودجه ملت هیچ دستآوردی ندارند.

چرا خس دزدان را محاکمه مي کنند؟؟؟

فساد، یکی از دلایل ناکامی حکومت های افغانستان درسال هاي اخير در کشور می باشد. این پدیده در گذشته ها نیز در افغانستان وجود داشته است ولی پس از رویکار آمدن حکومت های پس از مجاهدین و آمدن غربی ها در کشور به اوج خود رسید چنانچه در حضور داشت امریکا و دیگر کشور های جامعه جهانی درافغانستان، مملکت ما در قطار کشورهایی قرار گرفته است که از شمار فاسدترین ها می باشد.
کشورهای دنیا در چندین نشست جهانی که برای کمک به افغانستان برگزار گردیده بود، همه کمک های شان را به این مشروط کرده بودند که این کشور در راستای مبارزه با فساد، گام های اساسی بردارد ولی دیده می شود که هنوز اقداماتی در این راستا عملی نشده است. بسیاری از نهاد های دولتی از جمله نهادهای کشف و تحقیق، گمرکات، محاکم و... دراین بیماری چنان گرفتار اند که مردم از بابت آن بامشکلات شدیدی مواجه می باشند. با این هم حکومت در راه پاکسازی این نهادها تا هنوز ناکام می باشد.
اخراً وزارت ترانسپورت اعلام کرده است که شماری ازکارمندان این وزارت به خاطر دست داشتن درفساد، به لوی سارنوالی معرفی شده اند. این اقدام می تواند در راستای مبارزه با فساد مفید باشد ولی ای کاش این روند در مورد همه کارمندان از بالا تا پایین رعایت گردد.
دیده شده است که بیشترین فساد در نزد مقامات مشاهده گردیده است؛ زیرا آنان به دلیل وظایف شان، در امور مالی و خریداری ها و قراردادها ذی دخل بوده و می توانند در این گونه امور بسیار سازنده باشند. وزارت ترانسپورت نگفته است که در میان شصت کارمندی که به لوی سارنوالی معرفی شده اند مقامات بلند پایین آن وزارت نیز شامل هستند یا نه ولی معلوم است که احتمال موجودیت چنین اشخاص بسیار اندک است. فساد های کلان در میان افراد رده بالای موجود است ولی در نظام کنونی اراده برای مبارزه بافساد موجود نیست و تا کنون دیده نشده است که مقام بلند رتبه ای که دیروز و امروزش به مردم معلوم بوده است، به دلیل فساد محاکمه شده و دارایی هایی که از راه غیر قانونی بدست آورده است، مصادره گردیده باشد.

موارد اندکی که دیده شده است، به دلایل قومی و سیاسی است چنانچه در قضیه کابل بانک دیده شده است. به هر حال حکومت به دلیل ضعف و ناتوانی هایی که دارد، تا هنوز نتوانسته است گام های عملی را در راستای مبارزه با فساد بردارد درحالی که دارایی های همه شهروندان کشور در سی – چهل سال اخیر در نزد مردم معلوم است ولی دزد های کلان که از خون و گوشت و پوست مردم اکنون صاحب سرمایه های کلان، کاخ ها وبلند منزل های متعدد هستند، غرق سرمایه های دزدی شده و باد آورده در ناز و نعمت زنده گی می کنند و فقط گاه گاهی مامورین پایین رتبه، به دادگاه ها کشانیده می شوند و فسادهای شان آشکار می گردد .ما امیدواریم که روزی این ماموریت را یک حکومت نیرومند مردمی تحقق بخشد و داد مردم را بستاند و حق را به حق دار برساند.

چند تن ازچپاولگران معروف

دزدی ۲۵ میلیون دالری یونس قانونی دروزارت معارف،
رشوت ۳۰ میلیون دالری ابراهیم عادل وزیرسابق معادن،
خریداری بلدنگ های چندین میلیون دالری توسط وزارت خارجه درنیویارک و دوبی،
چپاول ده هزار جریب زمین دولتی توسط خانواده کرزی درقندهار،
سرقت هفتاد میلیون دالری توسط اسماعیل خان،
غارت تجهیزات وادویه به ارزش میلیون ها دالرو ۲۰ میلیون دالرپول نقد درشفاخانه سردارمحمد داوود که در آن بسم الله وزیردفاع وجنرال احمد ضیا یفتلی مظنون درجه یک اند،
چور زمین های دشت چمتله، چونغر، قرغه و غیره توسط سیاف، ملاعزت، ممتاز وغیره ،
دزدی حدود نیم میلیون دالرتوسط صدیق چکری ازوزارت حج و اوقاف،
اختلاس هشتصد میلیون دالری عمرزاخیلوال درگمرک های جلال آباد وحیرتان،
دریافت بوجی های دالر ازایران توسط عمر داوودزی،
اختلاس بیست میلیون دالری امین فرهنگ دروزارت اقتصاد،
دزدی صدمیلیون دالری نادر آتش ازشرکت هوایی آریانا،
گرفتن رشوتهای کلان توسط فاروق وردگ، حنیف اتمروعمر زاخیلوال ازکابل بانک،
فساد قدیرفطرت درارتباط به قضیه کابل بانک و موارد دیگر،
فساد چندین میلیون دالری وفسادهاي متعددي ظاهراغبردرکمیته ملی المپیک،
چپاولگري های فراوان عطامحمد نوردربلخ،
دزدی زلمی حقانی ازسفارت افغانستان درپاریس ...

چرا کسي ازاينان نمي پرسد؟؟؟

می نویسم که شب تارسحرمی گردد
قانون وعدالت به کشوربرمي گردد.

حمایت ازمتهمان فساد اداری ازجانب حکومت معضلی است که تا کاخ ریاست جمهوری نیزریشه دوانیده است. عده‌ای از متهمان به اختلاس وفساد اداری به طورمستقیم ازجانب شخص کرزی وبرخی مقامات دیگرمورد حمایت قرار گرفته، ودوسیه‌های آنان مسدود ویا متروك گذاشته می‌شد.

حکومت زمانی می‌تواند درامرمبارزه با فساد موفق شود که عزم سیاسی قوی داشته، اصلاحات ومبارزه را ازخود ارگ وحکومت شروع کرده وقضیه‌های افراد حکومتی که درسارنوالی است را درقدم نخست رسیدگی کند. وهمچنان درصورت نیازمحکمه‌های بین‌المللی را نیز برای رسیدگی به دوسیه‌هایی که حکومت قادربه رسیدگی به آن‌ها نیست، تشکیل نماید.

۲۱ تن ازمقامات بلند پایه دولتی به اخذرشوت و فساد اداری متهم اند ،دران نامهای ۱۱ وزیراسبق وفعلی، ۶ والی فعلی واسبق وچندین رییس عمومي،مشاوروزیراومسولین دولتی شامل است که،ازموقف دولتی سوء استفاده نموده ومبالغ هنگفت راحیف و میل نموده اند. درین لست چندین وزیر ووالي اسبق حکومت کرزی، وزیران فعلي و تعداد ازمشارو وزیران ورییسان عمومي شامل اند که گمان میرود تعداد شان درکابینه بعدی هم عضویت داشته باشند .

درین لست رنگین داد فرسپنتا، حنیف اتمر، محمد صدیق چکری، جلیل شمس، سرمشاور رییس جمهور نعمت الله شهرانی شامل اند .همچنان درلست اسمای وزرای سابق حکومت کرزی، حمیدالله قادری وزیرترانسپورت، اکبراکبر وزیر مهاجرین، رامین وزیرزراعت، عنایت الله قاسمی وزیرترانسپورت، فرهنگ وزیرتجارت، خانم مسعوده جلال وزیر زنان برعلاوه وزیران یادشده، نامهای شیرمحمد اعتباری، بسم الله بسمل نیز شامل است .

همچنان درلست والیان، والی ولایت بلخ عطامحمد نور، والی غزنی عثمانی، والی کاپیسا، والی بدخشان بازمحمد احمدی و والی اسبق خوست پتان یاد شده اند که ازموقف دولتی خود سوء استفاده واختلاس نموده اند.

وهمچنان درمیان افراد رده بالاي حکومتي، نام محمد صدیق چکری، سرپرست پیشین وزارت حج واوقاف، حمید الله قادری وعنایت الله قاسمی وزرای سابق ترانسپورت وهوانوردی، محمد امین فرهنگ، وزیرسابق تجارت وصنایع، نادرآتش رییس دآریانا افغان هوائی شرکت، عبدالاحد صاحبی شاروال سابق کابل، وهاب الدین سادات وفقیربهرام معینان سابق شاروالی کابل، اشراق حسینی، معین سابق وزارت معارف، عطاالرحمن سلیم، معین سابق وزارت حج واوقاف، اکبربارکزی، معین سابق وزارت آب وبرق، محمد ولی رسولی، معین سابق وزارت فواید عامه واحمد ضیا صالحی، مسئول مالی شورای امنیت ملی وجود دارند .

جرم وجنایات سازمان یافته درحکومت

بوروکراتیزم ریشه‌دار در کشور مانع هرگونه پیشرفت است، لذا برنامه‌هایی چون خلع سلاح، مبارزه با مواد مخدر و غیره نتوانسته‌اند به موفقیت برسند. در برابر این نابسامانی بنیادی، سیاست‌هایی چون تغییر مسؤولین در ولایات، سطحی به نظر می‌رسد، این سیاست‌ها نه تنها باعث بهبود اوضاع نمی‌شود بلکه به آشفتگی آن می‌افزاید. از سوی دیگر درهم ریختگی صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های دست‌اندرکاران امور و بخش‌های مختلف اداری سبب ناکامی اجرات مثبت و مؤثر می‌گردد. اصلاحات اداری نیز در صورتی مؤثر است که هیچ کس نتواند به‌ناحق خواسته خود را به کرسی بنشاند. درهرحال ایجاد یک دولت مقتدر مرکزی با اتکا به اصل شایسته سالاری و مدیریت علمی که بتواند به خواسته‌های مردم پاسخ مثبت بدهد، تنها راه سیاسی بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی به شمارمی‌رود.

در غیر آن هر شخصی باتجربه‌ای هم اگر در این حلقه بسته و در سیستم بهم آمیخته قرار گیرد موفقیت چندانی نخواهد داشت. در کشور بسیاری از فرمانداران محلی و ولایتی هم از اردو، پولیس و افسران امنیتی قبلاً فرماندهان جناح‌های مختلفی بوده‌اند که برای سرنگونی طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ در تصرف قدرت پیش‌دستی و خلاف توافق قبلی کابل را اشغال نمودند. آن چه که این نیروها می‌توانند انجام بدهند، استفاده از سمت دولتی خود برای کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر است. آن‌ها هنوز اسلحه در اختیار دارند و نفوذ گذشته خود را بر مردم حفظ کرده‌اند.

سال‌ها از سقوط طالبان در کشور می‌گذرد ده‌ها و حتا صدها میلیارد دالر به افغانستان سرازیر و در زیر ریش جامعه بین‌المللی به جیب دزدان ثروت‌های ملی افغانستان سرازیر شد و همین دزدان و چپاولگران شهر کابل بعد از سال دو هزار یک مالک ده‌ها تعمیر و بلند منزل، شرکت‌های تجارتی، صاحب ده‌ها عراده موتر، صدها جریب زمین و... گردیدند.

اگر واقعاً به کمک‌های ارایه شده به افغانستان نگاه کنیم به این موضوع می‌رسیم که اکثر این کمک‌ها برای مردم افغانستان نرسیده تعدادی دلال داخلی و خارجی را فربه کرده است! در سایه این کمک‌ها اکثر احزاب قدرتمند و ضعیف داخلی تقویت شده به استحکام مواضع خود پرداخته‌اند؛ یعنی همان جریانی که در سال‌های قبل رواج داشت. منتها آن زمان بنام جهاد و مقاومت در جیب عده محدود می‌ریخت و امروز بانام بازسازی. ولی در اصل هیچ فرق و تفاوتی در روند رسانیدن این کمک‌ها به مردم نکرده است.

در کنار این موضوع صدها و بلکه هزاران دلال جناحی و حزبی به پر کردن انبارهای خود مشغول‌اند درحالی‌که مردم همچنان نیازمند باقی مانده‌اند. از طرف دیگر، ازدیاد و تعدد مؤسسات و نیروهای خارجی و زورمندان تنظیمی را شاهدیم که هرکدام شان ماهانه پنجصد تا پنج هزار دالر حقوق دریافت کرده هزینه‌های گزاف مخارج شان را نیز در حساب کمک‌های بلاعوض و یا قرض‌الحسنه به افغانستان می‌گذارند. در حال حاضر در کابل بیش از دو هزار و چهار صد موسسه خارجی و یا به‌نوعی وابسته به آن‌ها وجود دارد. که در هرکدام شان اگر به‌طور میانگین ده نفر مشغول به کار باشند، حدود بیست چهار هزار حقوق بگیر در کابل مستقر هستند. این افراد ازیک‌طرف به ناامنی‌های اجتماعی با ارایه طرح‌های اکثراً بدون استفاده دامن می‌زنند و از طرف دیگر بازار گرمی دلالان داخلی را سبب شده‌اند.

همچنین اگر نگاهی به وضعیت کرایه خانه‌ها و خریدوفروش‌ها و عواقب ناشی از این مسایل داشته باشیم، نارضایتی مردم را در ایجاد اختلالات روانی اجتماعی مشاهده خواهیم کرد. از منظر دیگر، کمک‌هایی که نقدی و یا جنسی مستقیماً به دولت پرداخت شده که کلاً یك سوم كل كمك به افغانستان را تشکیل می‌دهد، اکثراً با مبالغه‌های آماری و عددی همراه بوده واقعیت‌ها به اطلاع همگان نمی‌رسد.

خارجي ها ومصيبت ملي

گزارش‌ها از سوء استفاده چندین میلیارد دالری از بودجه بازسازی افغانستان از سوی محافل و مقامات امریکایی حکایت دارند. نتایج یک بررسی جدید در اردوی آمریکا نشان می‌دهد که میزان سوءاستفاده از بودجه بازسازی و حیف‌ومیل آن به چندین میلیارد دالر رسیده است. آرنولد فیلدز بازرس ویژه بازسازی افغانستان با تایید این مطلب گفت، میزان سوءاستفاده از بودجه بازسازی افغانستان همچنان در حال افزایش است.

وی با انتقاد از سیاست‌های آمریکا در امر بازسازی افزود، هیچ واحد کنترولی مناسبی برای بررسی اینکه پول مالیات دهندگان آمریکایی در کجا هزینه می‌شود وجود ندارد. مقامات امریکایی ادعا می‌کنند که از سال دو هزار و دو تا کنون پنجاه‌وشش میلیارد دالر برای بازسازی افغانستان هزینه شده، اما به گواه واقعیت‌های این کشور، نتیجه‌ای نداشته است. از این مبلغ بیست و نو میلیارد دالر صرف بازسازی نیروهای امنیتی و شانزده میلیارد دالر صرف توسعه این کشور شده است. این درحالی‌که است که باگذشت حدود یک دهه نه تنها وضعیت نیروهای امنیتی و نظامی افغانستان بهبود نیافته بلکه مردم و بخصوص زنان و کودکان با مشکلات عدیده روبرو هستند.

به‌گونه‌ای که به گزارش صندوق کودکان سازمان ملل، یونیسف بیش از یک چهارم کودکان هفت تا چهارده ساله همچون یک فرد بزرگ‌سال کار می‌کنند، به‌طوری‌که وضعیت کودکان کار به‌عنوان یکی از معضلات اصلی دولت این کشور به‌حساب می‌آید. بر اساس گزارش وزارت صحت عامه کشور نیز، از سی میلیون افغان دوازده میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند که از این دوازده میلیون فقیر، سه میلیون نفر کودک زیر پنج سال هستند که از سوء تغذیه رنج می‌برند. البته بازرس ویژه بازسازی افغانستان به بقیه هزینه‌های بازسازی که امریکا ادعا می‌کند از سال دو هزار و دو در این کشور هزینه کرده، اشاره نکرده است. از این‌رو گزارش تفتیش ویژه بازسازی از فسادهای گسترده نهادهای غربی فعال بخصوص امریکایی در افغانستان حکایت دارد.

سال‌ها است که امریکا و متحد ین در افغانستان حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم، زیرا پس از سقوط طالبان، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام می‌گردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چوروچپاول باز گذاشته شد. خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح ، افزایش بی‌سابقه خود کشی و خودسوزی زنان، تهدید فامیل‌ها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آوازخوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوه‌هایی که چاره‌ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و... همه عملکرد تفنگداران جنگ سالاراند.

درحالی‌که در اوضاع کنونی و در طی این سال‌ها این انتظار موجود بود که در عرصه‌های تأمین امنیت، بازسازی و قانون‌مداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نا به سامانی‌ها کارهای بزرگی انجام می‌شد اما این مأمول‌ها تحقق نیافته باقی مانده و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین کنندهء امنیت و ادامه دهندهء بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی در حال بدل شدن به یأس تلقی می‌شود. افغانستان با این همه سلاح و سلاحدار به آتش زیرخاکستر می‌ماند که هر آن امکان دارد با کوچک‌ترین بی‌احتیاطی این آتش زیر خاکستر شعله‌ور گردد و حضور نیروهای جنگ سالار در ادارات مهم امنیتی و سیاسی به این وضعیت بیشتر دامن زده است، اما آیا با مسامحه کاری و میدان دادن به نیروهای جنگ سالار تحت عنوان نیروهای مقاومت و مبارز می‌توان از این واقعه جلوگیری کرد یا نه؟ بلکه می‌توان بر دامنه این تهدید نیز افزود. جامعه افغانستان به دلیل دوری از قانون و قانون‌مداری به يك جنگل تبدیل شده است که هرکس زور بیشتر داشت همان قدرت حاکم به شمار می‌رود. تفنگداران با تکیه به نیروی نظامی خویش خواستار هرج‌ومرج، چوروچپاول، زورگوی وبی قانونی‌اند.

توسعه روز افزون ناامنی در کشور، باعث نگرانی مردم شده آنان را از روزنه‌های امید به آینده دور می‌کند. درگیری‌های متفرقه در ولایات مختلف، غارت و چپاول شبانه خانه‌های مردم، زور گویی برخی احزاب به‌اصطلاح جهادی، بی‌احترامی به افراد روشنفکر و آزاد اندیش و ده‌ها مورد دیگر، ازجمله مسایلی است که برای یکبار دیگر امید رسیدن به صلح و آرامش در کشور را به نقاط کور و مبهم گذشته می‌برد.

این موضوع از يك جهت مردم را وادار به مهاجرت‌های داخلی و خارجی کرده و از سوی دیگر باعث عدم بازگشت مهاجرین به کشور می‌گردد. مهمتر از این مسایل، جامعه جهانی را نسبت به افغانستان بد بین ساخته آنان را نیز از روند کمك به بازسازی دور خواهد ساخت. علت اصلی جنایات و درگیری‌های اخیر در کشور، حضور تفنگ سالاران در مناصب و پست‌های کلیدی کشور است تنها راه حل این مسأله برکناری احزاب و گروه‌های به‌اصطلاح جهادی از صحنه قدرت نظامی و سیاسی در افغانستان می‌باشد.